

ادعاهای مشکوک جمهوری آذربایجان

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

ایاز تبریزی

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان : سخنان تحریک آمیز، تجزیه طلبانه و ضدایرانی اخیر «الهام علی اف»، رئیس جمهوری حکومت باکو، با تلویزیونی «گونی آذر تی وی» به همراه تکرار اقدام های خصمانه دولتمردان این کشور علیه ایرانیان که حتی می شود دشمنانه نام گیرد، زنگ خطری جدی است که باید مورد توجه و واکنش مناسب دولتمردان ایران واقع شود. «علی اف» در این سخنان درباره ضرورت تجزیه ایران سخن گفته و به خیانت پیشگان این بشارت را داده که در آینده نزدیک، با اتحاد کشورهای ترک زبان همسایه [منظور ایران] رویدادهای بزرگی در منطقه رخ خواهد داد.

پیشینه جدایی اران و شروان منطقه شمال ارس و شرق ایران در تاریخ کهن ایران زمین، همواره با نام های اران و شروان و یا آلبانیای قفقاز به عنوان بخشی از ایران شناخته شده، در حالی که آذربایجان واقعی در همان محدوده استان اردبیل، استان های آذربایجان شرقی و غربی ایران در همه کتاب ها و اسناد کهن تاریخی آمده شده است. اران و شروان از هنگام جدا شدن از خاک ایران توسط روس ها در قرارداد شوم گلستان (1813 میلادی) همواره به عنوان ایرانی نشین یا Persidesky معرفی شده و تا هنگامه تغییرات نظام حکومتی شوروی از سلطنتی تزاری به حکومت کمونیستی در بیش از صد سال با این نام شناخته می شده است.

ذکر این لازم است که در قرارداد شوم «ترکمانچای» در سال 1828 میلادی، منطقه ایروان که بعدها به نام جمهوری ارمنستان شناخته شد و منطقه نخجوان که بین ایران و ارمنستان واقع است نیز از ایران جدا و به قلمرو روسیه تزاری اضافه شد.

در فاصله سقوط نظام امپراتوری روسیه و استقرار نظام جدید کمونیستی، زمینه ای برای استقلال منطقه فراهم شد، ولی در غفلت ایران و سران بی کفایت قاجار برای بازپس گیری این منطقه، این میدان، عرصه تاخت و تاز عثمانی قرار گرفت و گروهی از اندیشمندان و آزادیخواهان قفقازی، با حمایت و پشتیبانی قدرت های منطقه ای، حکومتی با نام جمهوری آذربایجان در منطقه اران و شروان تاریخی راه اندازی کردند. نام گذاری یکباره این منطقه به نام یکی از بزرگترین و مهمترین ولایات ایران از همان آغاز شایبه توطئه چشمداشت به سرزمین های ایرانی را برای اندیشمندان ایرانی به همراه داشت به گونه ای که بلافاصله با واکنش های تند همراه با نگرانی بزرگانی میهن دوست چون ملک الشعراء بهار و علامه دهخدا روبه رو شد. این بزرگان آینده نگر، در حالی که دولتمردان آن روز ایران در خواب غفلت بودند، در مقاله های متعددی که در روزنامه هایی چون «رعد»، «نوبهار» و «ایران» در فاصله سال های 1296 تا 1298 خورشیدی (1917 تا 1919 میلادی) به چاپ می رساندند، هشدار می دادند که مصادره نام یکی از ولایات ایران در آن سوی مرز در آینده تمامیت ارضی، آذربایجان واقعی را در معرض تهدید جدی قرار خواهد داد و همین گونه نیز شد.

با تشکیل حزبی پان ترکیست با نام «کمیته مساوات» در باکو، فعالیت های ضدایرانی دولت باکو با حمایت دولت عثمانی شکل جدیدی به خود گرفت. با این حال، سران این حزب که به دنبال یافتن جایگاهی منطقه ای برای خود بودند، با عوام فریبی کوشیدند نگرانی ایرانیان را برای اطلاق نام جمهوری آذربایجان به اران و شروان بی مورد نشان دهند. این گونه بود که محمدمین رسول زاده، از سران کمیته مساوات، در پاسخ به اعتراض ایرانیان در 89 سال پیش نوشته است: «... از ما چرا ظنن هستی؟ باید تصور کنیم چنین گمان کرده اند که از گرفتن نام آذربایجان که اسم یک ولایت ایران است، به مسمای آن [منظور آذربایجان واقعی در ایران] نیز ما چشم داریم ... دعوی مختاریت آذربایجان به هیچ وجه به جنوب ارس راجع نیست. باز بالفعل این را اثبات می کنیم ...» (روزنامه ایران، شماره 439 - تاریخ 26 ثور 1298 خورشیدی).

رخدادهای بعدی اما این را نشان داد که رهبران ضدایرانی باکو از این تغییر نام، تنها و تنها هدف توسعه طلبانه و جدایی آذربایجان واقعی را با نام جعلی و واهی آذربایجان جنوبی در سر می پرورانده اند و درواقع به رغم ادعاهای رسول زاده، «بالفعل اثبات کردند» که با جعل نام آذربایجان به «مسمای» آن چشم داشته اند، زیرا چند سال بعد، بهانه این نام گذاری در سال 1945 حتی به اشغال و جدایی یک ساله آذربایجان واقعی از ایران منجر و با همت میهن دوستان ایرانی، قایله تجزیه طلبان با شست روبه رو شد.

دومین فرصت از دست رفته

دومین فرصت تاریخی بازپس گیری سرزمین های آن سوی ارس به مام میهن، هنگامه فروپاشی شوروی سابق در ژانویه 1991 بود که متأسفانه باز هم ایرانیان از این فرصت تاریخی استفاده نکردند؛ پتانسیلی که ترکیه، آمریکا و اسرائیل با فرصت طلبی از آن خود کردند. این گونه شد که به تدریج با پا گرفتن و پشتیبانی لابی های صهیونیستی آمریکایی در جمهوری خودخوانده آذربایجان، فشارها و تهدیدهای گوناگون علیه تمامیت ارضی آذربایجان ایران در سال های اخیر گسترش یافته است. بخشی از این تحرکات خصمانه باکو را با

هم می خوانیم:

1- تجزیه و پشتیبانی همه جانبه گروه های تجزیه طلب قومی آذری با حمایت رسانه های همگانی باکو، شبکه های تلویزیونی، رادیویی و ماهواره ای.

2- تحرکات خصمانه در مرزهای دو کشور، از جمله نصب و راه اندازی دوربین های دید در شب با برد 300 کیلومتر - نصب رادارهای جاسوسی و رزمایش های متعدد نظامی.

3- تجاوز به محدوده آب های ایران و حوزه های نفتی ایرانی دریای مازندران از جمله حوزه البرز و تغییر نام این حوزه به «آلو».

4- در پیش گرفتن موضع خصمانه دایمی نسبت به حقوق تاریخی و خدشه ناپذیر ایران در دریای مازندران به ویژه سهم ملی 50 درصد ایران از این دریا.

5- رفتارهای هیجانی همراه با کینه ورزی و دامن زدن به دشمنی با ایرانیان با تلقین هویت جداگانه و غیرایرانی به آذری های ایرانی.

6- مصادره چهره های تاریخی و فرهنگی ایران زمین از جمله بابک خرم دین، شهریار، نظامی گنجوی، خاقانی شروانی، مولوی و ... به عنوان مشاهیر.

7- تحت فشار قرار دادن کمیسیون دایمی سازمان ملل متحد و جمع پارلمان اروپا در راستای نامیدن ملت آذربایجان به عنوان ملت تجزیه شده به منظور آماده کردن بستر مناسب برای اجرای برنامه های شوم صهیونیستی تجزیه شمال غرب ایران برای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا.

نکته قابل توجه این که، جمهوری آذربایجان که با کمتر از هشت میلیون نفر جمعیت، یک چهارم جمعیت آذری های ایران جمعیت دارد، خود از جمعیت چشمگیر غیرآذری (دو میلیون تالشی های پارسی زبان، لزگی ها، کردها و ارامنه) برخوردار بوده و بهتر است به جای ادعاهای واهی، به حل مشکلات داخلی خود با اقدام متعدد غیرآذری زبان پردازد و چاره آبی برای منطقه قره باغ ببیند که یک پنجم خاک آن کشور را تشکیل داده و سال ها از قلمرو حکومت باکو خارج شده و در اختیار کشور یک و نیم میلیون نفری ارمنستان است؛ بنابراین، اگر می تواند ادعایی مطرح شود، باید از سوی کشور ایران برای بازپس گیری جزیی از سرزمین کهن خود انجام شود، نه از سوی جزء به کل.

ایران به عنوان ولی نعمت و مام مبین سرزمین های آن سوی ارس تاکنون کارهای مثبت بی شماری در حمایت از حکومت باکو داشته که نه تنها واکنش مثبتی نداشته، بلکه همواره با حرمت شکنی و گستاخی مقامات جمهوری آذربایجان و عوامل نفوذی آنها همراه بوده است. از آن جمله است:

1. پناه دادن به هزاران پناهجوی آذری در جنگ قره باغ.

2. فرستادن سوخت رایگان و تأمین برق و گاز رایگان به جمهوری نخجوان که هیچ مرز مشترکی با جمهوری آذربایجان ندارد و تنها ارتباط آن از راه ایران امکان پذیر است.

3. در اختیار گذاردن راه های مواصلاتی ایران برای انتقال کالا و مواد غذایی از باکو به نخجوان.

کوتاه سخن این که حال که تاریخ اعتبار قراردادهای شوم گلستان و ترکمانچای به سر آمده، هنگامه آن است که اقدامی عاجل برای بازپس گیری سرزمین های زادگاه نظامی گنجوی و خاقانی شروانی صورت گیرد. بی تردید مدیریت قاطع، تحرك بیشتر دیپلماتیک و حساسیت های بجای سیاسی ایرانیان، می تواند علاوه بر حفظ تمامیت ارضی ایران زمین، از دسیسه های دشمنان این آب و خاک، زمینه بازیابی سرزمین های ایران بزرگ را فراهم سازد.

نباید فراموش کرد که در نقشه های خاورمیانه بزرگ که برای آینده منطقه ترسیم و منتشر شده، خواب تجزیه ایران و جداسازی آذربایجان، کردستان، خوزستان و بلوچستان و تشکیل کشورهای جداگانه در هر یک از این مناطق دیده شده است؛ بنابراین، هر یک از تحرکات و موضعگیری های آمریکایی صهیونیستی همسایگان گستاخ ما در راستای این طرح باید مورد ارزیابی و واکنش مناسب قرار گیرد.

با نگاهی دقیق تر به وقایع کشورهای همجوار ایران که همزمان در حال اجراست؛ از جمله ناآرامی های کشمیر، درگیری های شرق ترکیه و شمال عراق، افغانستان، پاکستان و ... و تحرکات گسترده دولت امارات در هویت زدایی از خلیج فارس و جزایر سه گانه ایرانی و نیز توطئه های موجود علیه اعتبار قرارداد مرزی 1975 الجزایر با عراق و نادیده گرفتن حقوق ایران در دریای مازندران باید برای حفظ تمامیت ارضی سرزمین کهن و میراث گذشتگان، بسیار هشیار رفتار کرده و حساب شده گام برداریم.

پایان پیام.